

لحظه صعود

چگونه توانمندسازی زنان، دنیا را تغییر می‌دهد.

ملیندا گیتس

www.ketab.ir



انتشارات کتابیار



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

www.ketab.ir

سرشناسه : کیتس، ملیندا، ۱۹۶۴ - م.

Gates, Melinda, 1964-

عنوان و نام پدیدآور: لحظه صعود: چگونه توانمندسازی زنان، دنیا را تغییر می‌دهد؟/ ملیندا کیتس: مترجم زهره ایجاد.

مشخصات نشر: کاشان: کتابپار، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۰۰ ص.

شابک: 978-600-5660-58-6

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

پادداشت: عنوان اصلی: The moment of lift : how empowering women changes the world,[2019].

عنوان دیگر: چگونه توانمندسازی زنان، دنیا را تغییر می‌دهد؟.

موضوع: فمینیسم

موضوع: Feminism

موضوع: زنان -- وضع اجتماعی

Women -- Social conditions

موضوع: زنان -- وضع اقتصادی

Women -- Economic conditions

موضوع: برابری

شناسه افزوده: ایجاد، زهره، ۱۳۷۲ - مترجم

رده بندی کنگره: HQ۱۱۵۵

رده بندی دیویی: ۴۲/۳۰۵

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۰۹۳۶۷

انتشارات کتابیار

www.ketab.ir

نام کتاب:	لحظه ظهور
مولف:	ملیندا گیتلر
مترجم:	زهره ایجادي
ویراستار:	تحریریه نشر کتابیار
طراح جلد:	آتلیه نشر کتابیار
چاپ و صحافی:	چاپ نقطه
چاپ / شمارگان:	اول ۱۴۰۰ / ۱۰۰۰ نسخه
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۵۶۶۰-۵۸-۶
کلیه حقوق این اثر برای نشر کتابیار محفوظ است.	
ارتباط با مرکز پخش: ۰۲۱-۶۶۴۵۵۰۴۳	

هرگونه کپی برداری، برداشت و
اقتباس از تمام یا قسمتی از این اثر،
منوط به اجازه کتبی ناشر می باشد.

آدرس: کاشان، بلوار کشاورز، خیابان نهال ۲۸، کوچه شهید شاهمیری، پلاک ۲۰
مرکز پخش: تهران، خیابان جمهوری، خیابان دوازدهم فروردین جنوبی، پلاک ۱۷۰، واحد ۱۶
قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان

فهرست

۹	مقدمه
۱۳	فصل اول: اعتلای یک اندیشه بزرگ
۴۰	فصل دوم: توانمندسازی مادران
۶۷	فصل سوم: همه چیزهای خوب
۱۰۶	فصل چهارم: سربلندشان کن
۱۳۶	فصل پنجم: نابرامی پنهان
۱۷۶	فصل ششم: وقتی دختر حق اظهار نظر کردن ندارد
۲۰۲	فصل هفتم: رویت تعصب جنسیتی
۲۲۹	فصل هشتم: خلق یک فرهنگ جدید
۲۷۲	فصل نهم: بگذار قلبت بشکند
۲۹۲	سخن آخر
۲۹۵	تشکر و قدردانی

مقدمه

زمانی که بچه بودم، پرتاب یک فضاپیما به کهکشان اتفاق بزرگی در زندگی من به شمار می‌آمد. من در شهر دالاس^۱، ایالت تگزاس^۲، در خانواده‌ای کاتولیک دارای چهار فرزند، مادری خانه‌دار و پدری که مهندس هوافضا بود و در پروژه فضایی آپولو^۳ فعالیت می‌کرد، بزرگ شدم.

در روز پرتاب فضاپیما، ما همگی سوار ماشین شدیم و به خانه یکی از دوستان پدرم - که او هم یکی از مهندسين پروژه آپولو بود - رفتیم و به اتفاق فیلم پرتاب فضاپیما را دیدیم. هنوز هم می‌توانم هیجان لحظات شمارش معکوس را با تمام وجودم احساس کنم. «بیست ثانیه و شمارش آغاز می‌شود کمتر از پانزده ثانیه، آماده پرتاب، دوازده، یازده، ده، نه، موتور روشن، شش، پنج، چهار، سه، دو، یک، صفر. تمامی موتورها آماده پرواز، شلیک! پرتاب با موفقیت انجام شد!»

آن لحظه‌ها همیشه برای من هیجان‌انگیز بود؛ به ویژه لحظه پرتاب که موتورها روشن می‌شوند، زمین می‌لرزد و موشک شلیک می‌شود. اخیراً در کتابی از مارک نیپو^۴، یکی از نویسندگان معنوی مورد علاقه من، به طور اتفاقی با عبارت «لحظه برخاستن» مواجه شدم. او از این واژه‌ها برای به تصویر کشیدن لحظه حضور پروردگار در زندگی و دریافت رحمت او استفاده می‌کند. او اینگونه می‌نویسد: «چیزی همانند یک روسری در دست باد

۱. Dallas

۲. Texas

۳. Apollo Program

۴. Mark Nepo

برافراشته شد» او پس از نوشتن این جملات حزن و اندوهش فرونشست و به خداوند نزدیک‌تر شد.

نصور مارک از برخاستن مملو از شگفتی است و شگفتی برای من دو معنا دارد: حیرت و کنجکاوی. من پر از حیرتم و به همان اندازه مملو از کنجکاوی. می‌خواهم بدانم برخاستن چگونه اتفاق می‌افتد!

گاهی اوقات، درحالی‌که همگی سوار یک هواپیما بودیم، در انتهای باند فرودگاه و پس از یک تیک‌آف طولانی، بی‌صبرانه منتظر لحظه برخاستن از زمین می‌شدیم. زمانی‌که بچه‌ها کوچک بودند و ما سوار هواپیما و آماده تیک‌آف بودیم، به آن‌ها می‌گفتم: «چرخ‌ها، چرخ‌ها، چرخ‌ها» و لحظه‌ای که هواپیما از زمین بلند می‌شد، می‌گفتم: «بال‌ها» وقتی بچه‌ها کمی بزرگ‌تر شدند، آن‌ها به من ملحق شدند و سال‌ها همه باهم این را می‌گفتم. اگرچه گاهی اوقات، ما بیش از حد انتظار می‌گفتم «چرخ‌ها، چرخ‌ها، چرخ‌ها» و به این می‌اندیشیدم که چرا بلند شدن از زمین این قدر طول می‌کشد؟

چرا گاهی اوقات این لحظه خیلی طول می‌کشد؟ و چرا گاهی اوقات خیلی زود اتفاق می‌افتد؟ چه چیزی است در ورای لحظه تغییر، که ما را به تأخیر خود درمی‌آورد، آن زمان که نیرویی عظیم به ما قدرت تسلط یافتن بر نیروهای ویرانگر را می‌دهد و ما از زمین جدا می‌شویم و شروع به پرواز می‌کنیم؟

از آنجا که به مدت بیست سال مشغول سفر کردن به دور دنیا بوده‌ام تا به رسالت مؤسسه‌ای که به اتفاق همسرم بیل، تأسیس کرده‌ام عمل کنم، همچنان این سؤال برایم مطرح است:

«ما چگونه می‌توانیم لحظه برخاستن را برای انسان‌ها - به‌ویژه زنان - به تصویر بکشیم؟ چون هنگامی که زنان به جایگاه والائری دست یابند، جایگاه انسانیت نیز والائری خواهد بود.»

و اینکه چگونه می‌توانیم لحظه برخاستن را در قلب انسان‌ها خلق کنیم، به‌طوری‌که همه ما بخواهیم به جایگاه و ارزش والای زنان ارج نهیم؟ چون گاهی اوقات تمام آن

چیزی که برای رسیدن این منظور به آن نیاز داریم، دست کشیدن از خوار و خفیف کردن آن‌ها است.

من در سفرهایم حقایقی دربارهٔ صدها میلیون زن شنیده‌ام که دلشان می‌خواهد خودشان دربارهٔ بچه‌دار شدن‌شان و زمان آن تصمیم بگیرند اما نمی‌توانند. آن‌ها به وسایل جلوگیری از بارداری دسترسی ندارند و دیگر حقوق و امنیت‌هایی که زنان و دختران از آن محروم هستند؛ مثل حق تصمیم‌گیری دربارهٔ ازدواج، اینکه آیا ازدواج کنند یا خیر و اینکه چه زمانی و با چه کسی ازدواج کنند. حق تحصیل و مدرسه رفتن، داشتن درآمد، کار کردن در بیرون از خانه، پیاده‌روی در فضای بیرون از منزل، خرج کردن پول خودشان، داشتن حساب هزینه و درآمدشان، شروع کسب‌وکار، گرفتن وام، مالکیت دارایی، طلاق گرفتن از همسر، رفتن به مطب پزشک، برخورداری از قدرت سیاسی، دوچرخه‌سواری، رانندگی، رفتن به دانشگاه، تحصیل در رشتهٔ رایانه، پیدا کردن سرمایه‌گذار. این‌ها همه حقوقی هستند که زنان در گوشه‌هایی از جهان از آن محرومند. گاهی اوقات این قانون است که زنان را از داشتن این حقوق محروم می‌سازد؛ اما حتی زمانی که قانون هم این حقوق را به آن‌ها می‌دهد، باز هم تبعیض‌های فرهنگی موجود علیه زنان، آن‌ها را از داشتن این حقوق محروم می‌سازد.

من سفرم را به‌عنوان یک حامی اجتماعی و در قالب برنامهٔ تنظیم خانواده آغاز کردم. پس از آن، سخنرانی دربارهٔ دیگر مسائل را نیز شروع کردم؛ اما ... چون خیلی زود به من گفتند ... خیلی زود دریافتم که صحبت کردن دربارهٔ تنظیم خانواده یا حتی هریک از مسائلی که پیش‌تر عنوان کردم کافی نیست و متوجه شدم اگر ما می‌خواهیم جایگاهی برابر با جایگاه مردان داشته باشیم، این اتفاق به‌واسطهٔ رسیدن به حقوق‌مان یکی پس از دیگری یا با فرایندی گام‌به‌گام عملی نخواهد شد؛ ما اگر قدرتمند شویم، خیلی سریع و به‌یک‌باره به حقوق‌مان خواهیم رسید.

این‌ها درس‌هایی هستند که من از افراد منحصر به فردی آموخته‌ام که می‌خواهم شما را با آن‌ها آشنا کنم. بعضی‌ها قلب شما را خواهند شکست. بعضی‌ها هم موجب صفای

قلب‌تان خواهند شد. این قهرمانان مدرسه‌ساز بوده‌اند، جان انسان‌ها را نجات داده‌اند، به جنگ پایان داده‌اند، به دختران آزادی داده‌اند و فرهنگ‌ها را تغییر داده‌اند. به اعتقاد من، آن‌ها الهام‌بخش زندگی شما خواهند بود، همان‌طور که الهام‌بخش زندگی من بوده‌اند.

آن‌ها به من نشان داده‌اند وقتی زنان دارای قدرت و اختیار باشند، شرایط چگونه خواهد بود و من از شما می‌خواهم که این تفاوت را ببینید. آن‌ها به من نشان داده‌اند آدم‌ها چگونه می‌توانند اثرگذار باشند و من از شما می‌خواهم نسبت به این موضوع آگاه باشید، به همین خاطر تصمیم به نوشتن این کتاب گرفتم تا داستان آدم‌هایی را با شما به اشتراک بگذارم که به زندگی من تمرکز و آرامش بخشیده‌اند. درخواست من از همه این است که راه‌های کمک به رشد و برومندی یکدیگر را دریابیم. متورها در حال روشن شدن هستند، زمین در حال لرزیدن است، ما در حال بلند شدن هستیم. ما امروز بیشتر از هر زمان دیگری در گذشته، از دانش و انرژی و بیش از آن برای شکافتن انگاره‌های تاریخ برخورداریم. اکنون زمانی است که به کمک یک حامی - چه زن و چه مرد - نیازمند هستیم. هیچ‌کسی نباید نادیده انگاشته شود. همه باید حضور داشته باشند. دعوت ما در راستای کمک به اعتلای جایگاه زنان است و هنگامی که همه باهم باشیم، ما همان برخاستن هستیم.